

بررسی چالش‌ها و راهکارهای تبدیل خوابگاه‌های دانشجویی دانشگاه علامه طباطبائی به جوامع کوچک یادگیری

محمد علی نعمتی^۱

مجتبی کریمی پور^۲

تاریخ پذیرش: ۹۳/۸/۱۵

تاریخ وصول: ۹۳/۲/۱۴

چکیده

هدف از پژوهش حاضر، بررسی و تحلیل چالش‌ها و راهکارهای تبدیل خوابگاه‌های دانشجویی دانشگاه علامه طباطبائی به جوامع کوچک یادگیری، است. این پژوهش با بهره‌گیری از روش تحقیق آمیخته از نوع اکتشافی و ساخت ابزار، و در دو بخش کیفی و کمی، انجام شده است. مصاحبه‌شوندگان در بخش کیفی، شامل ۲۵ نفر از اساتید دانشگاه، مدیران خوابگاه‌ها و دانشجویان خوابگاهی بوده‌اند که با شیوه نمونه‌گیری هدفمند و با بهره‌گیری از روش گلوله برفی مورد مصاحبه قرار گرفته‌اند. در بخش کمی نیز، جامعه آماری مشتمل بر ۳۱۵۰ دانشجوی ساکن در خوابگاه‌های دانشگاه علامه طباطبائی بوده که از آن میان تعداد ۳۴۰ دانشجو با استفاده از روش نمونه‌گیری طبقه‌ای - تصادفی به عنوان نمونه آماری شناسایی و مورد مطالعه قرار گرفته است. به منظور جمع‌آوری داده و اطلاعات بخش کمی، از دو پرسشنامه چالش‌ها و راهکارها - تدوین شده در بخش کیفی پژوهش - بهره‌گیری شده، که پایایی آنان با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ، به ترتیب برابر با ۰/۸۷ و ۰/۹۶ محاسبه گردیده است. مبانی نظری، تحقیقات پیشین و همچنین یافته‌های بخش کیفی مطالعه حاضر، حاکی از آن است که چالش‌های تبدیل خوابگاه‌های دانشجویی به جوامع کوچک یادگیری و راهکارهای متناظر با آنان، مشتمل بر چهار محور: الف) ساختاری - مدیریتی، ب) فرهنگی - اجتماعی، ج) علمی - حرفه‌ای و د) درون فردی است. در بخش کمی پژوهش، نتایج حاکی از آن است که پاسخگویان تمامی چالش‌ها و راهکارهای شناسایی شده در بخش کیفی پژوهش براساس محورهای فوق را تأیید نموده‌اند. همچنین، نتایج نشان می‌دهد که میان دیدگاه‌های پاسخگویان در ارتباط با چالش‌ها و راهکارهای تبدیل خوابگاه‌های دانشجویی دانشگاه علامه طباطبائی به جوامع

۱- استادیار دانشگاه علامه طباطبائی، rnemati@gmail.com

۲- کارشناس ارشد مدیریت آموزشی دانشگاه علامه طباطبائی، mkarami1368@gmail.com

کوچک یادگیری به تفکیک خوابگاه، جنسیت و مقطع تحصیلی، تفاوت معنادار وجود ندارد. **واژگان کلیدی:** خوابگاه دانشجویی، جوامع کوچک یادگیری، چالش‌ها و راهکارها.

مقدمه

با عنایت به تغییرات و دگرذیسی‌های حوزه یادگیری- یاددهی طی سال‌های اخیر، شیوه‌های سنتی آموزش در دانشگاه‌ها، که استاد و کلاس درس را عامل اصلی یادگیری و رشد تلقی می‌نمودند، اینک متحول شده است. امروزه، چالش اساسی پیش‌روی مدیران دانشگاه‌ها در راستای ارتقای کیفیت آموزش عالی، تلفیق یادگیری‌های کلاسی و خارج از کلاس دانشجویان است. در دهه‌های اخیر، محققان تأمل بیشتری بر ابعاد اجتماعی یادگیری، به خصوص فعالیت‌های فوق برنامه شامل فعالیت‌های اجتماعی و مشارکتی، برای حمایت از یادگیری و ارتقای شناخت دانشجویان داشته‌اند. در حال حاضر، بسیاری از آنچه یاد گرفته می‌شود؛ چه در داخل و چه در خارج از کلاس و حتی محیط کار، از طریق یادگیری غیررسمی اتفاق می‌افتد (کونلن^۱، ۲۰۰۴). یادگیری خارج از کلاس، بسیار حائز اهمیت و اکثر قریب به اتفاق متخصصان معتقدند که کمتر از نیمی از یادگیری دانشجویان در کلاس درس حاصل می‌شود. به تعبیری دیگر، یادگیری غیررسمی بیش از ۷۵٪ از یادگیری را محقق می‌سازد که در سازمان‌های امروزی به وقوع می‌پیوندد؛ با این حال، تعداد بسیاری از دانشگاه‌ها و سازمان‌ها، تنها بر برنامه‌های یادگیری رسمی تمرکز نموده و فرصت‌ها و برآیندهای باارزشی را نادیده گرفته‌اند (کونر^۲، ۲۰۰۵).

به منظور مواجهه با چالش‌های نوظهور حوزه یادگیری در قرن ۲۱، نیاز به یادگیری اکتشافی، مسئله‌محور و مبتنی بر کار گروهی، در راستای ارتقای اثربخشی آموزش‌ها و کاربردی نمودن آنان، بیش از پیش احساس می‌شود (یوسف^۳ و همکاران، ۲۰۱۲). در دنیای تغییر و تحول

-
1. Conlon
 2. Conner
 3. Yusof et al.

امروز، مهارت‌هایی چون مسأله‌گشایی، ارتباط اثربخش، کارآفرین بودن، فناوری اطلاعات و ارتباطات، و به طور کلی، مدیریت بهینه زندگی فردی و شغلی و همچنین داشتن هنر مدیریت ارزش افزوده، از ضروریات بقای فرد و سازمان، محسوب می‌شود. بنابراین، در تمامی مشاغل برای برخورداری از این مهارت‌ها، ارزش قائلند و از دانش آموختگان انتظار می‌رود که بتوانند زندگی خود را مدیریت و بر مشکلات غلبه کنند و در برنامه‌ریزی‌های زندگی و انجام فعالیت‌های روزمره، فعالیت‌های خود را در قالب کارگروهی به منظور تحقق اهداف مشترک و قابل توجه، هماهنگ سازند. یادگیری گروهی به عنوان یک روش مباحثه، جایگاه ویژه‌ای دارد که از طریق پویایی گروهی، نظریه و عمل را در هم آمیخته و روش مؤثر یادگیری که بر عمل و تجربه متکی است را به وجود می‌آورد (شفیع آبادی، ۱۳۷۲).

در شرایط کنونی، مسایلی همچون افزایش روزافزون دانشجویان با زمینه‌ها، فرهنگ‌ها و روحیات متنوع، بین‌المللی شدن و جهانی‌شدن دانشگاه‌ها، و بیکاری دانش‌آموختگان آموزش عالی، موجب پررنگ‌تر شدن نیاز به برنامه‌های درسی متنوع و جامع، که در آن‌ها علاوه بر محتوای یادگیری، به چگونگی یادگیری رسمی و غیررسمی دانشجویان نیز توجه شود، گردیده است. امروزه، مؤسسات آموزش عالی، رویکرد و جهت‌دهی آموزشی خود را تغییر داده‌اند و به رویکرد مبتنی بر یادگیری‌های اجتماعی، یادگیری‌های تجربی و آموزش‌های میان-رشته‌ای تأکید می‌نمایند (والز^۱، ۲۰۱۴). در این میان شیوه «گروه کوچک» به عنوان روشی مناسب جهت پرورش فعالیت‌های دانشجویی و تقویت یادگیری مشارکتی، نقش بسزایی دارد. ایجاد گروه‌های کوچک یادگیری می‌تواند استراتژی اثربخش برای توانمندسازی دانشجویان و عامل موفقیت افراد و سازمان‌ها در دنیای متغیر امروز می‌باشد. جوامع کوچک یادگیری باعث می‌شود که افراد به صورت مثبت به هم وابسته باشند و به این اعتقاد برسند که آنها در صورتی می‌توانند به اهدافشان برسند که دیگران هم به اهدافشان برسند و دست‌یافتن دیگران نه تنها مانعی برای دست‌یافتن فرد به اهدافش نیست، بلکه برای او نیز مفید است. لذا، با

توجه به اینکه بیشتر دانشجویان اوقات خارج از دانشگاه خود را در خوابگاه سپری می‌کنند و نبود تعامل مستمر بین دانشجویان ساکن خوابگاه، عدم تشکیل گروه‌های منسجم و پایدار و فقدان نظارت اجتماعی رسمی نسبت به خوابگاه‌ها، از عوامل مؤثر بر وضعیت نابسامان اجتماعی و بروز وضعیت آنومیک^۱ و گاه خطرناک بین دانشجویان خوابگاهی است؛ بنابراین در این پژوهش سعی شده است تا چالش‌های دانشجویان خوابگاهی دانشگاه علامه طباطبایی در تبدیل شدن به جوامع کوچک یادگیری را شناسایی کرده و راهکارهایی را جهت تبدیل این خوابگاه‌ها به جوامع کوچک یادگیری، ارائه شود.

مبانی نظری پژوهش

خوابگاه محیطی است که بیشتر دانشجویان آن را تجربه می‌کنند. بودن در خوابگاه علاوه بر اینکه به معنی دوری از خانواده و شبکه روابط قبلی فرد است، بلکه همچنین ممکن است محیط خوابگاه مشکلاتی را بر فرد تحمیل کند؛ از سویی دیگر، این امکان وجود دارد که محیط خوابگاه به دلیل حضور افراد همسان و جو علمی حاکم بر آن، برای فرد یک منبع حمایتی باشد. عواملی چون ارتباطات افقی بین دانشجویان، مشارکت آنها در اتحادیه‌ها و انجمن‌های دانشگاهی، حمایت‌های اجتماعی، روانی و مالی می‌تواند زمینه‌های قابلیت‌های روانی دانشجویان خوابگاهی به عنوان سرمایه‌های اجتماعی، ارتقا دهد (بهزاد، ۱۳۸۴). خوابگاه‌های دانشجویی کشور ما، هم‌اکنون صرفاً در نقش مراکزی اجتماعی ظاهر می‌شوند و تنها بخش اندکی از نیازهای ساده و اولیه دانشجویان را برآورده می‌سازد این درحالی است که خوابگاه‌های دانشجویی در دانشگاه‌های معتبر جهان ابزاری برای رشد دانشجویان محسوب می‌شوند و چنین دانشگاه‌هایی بر ایجاد محیطی تأکید می‌ورزند که افراد بتوانند فرصت بیشتری به یادگیری و تحقیق اختصاص دهند. امروزه دیگر خوابگاه دانشجویی را باید به مثابه نماد کوچکی از یک جامعه مدرن در نظر گرفت؛ جامعه‌ای که اجتماع آن را دانشجویانی تشکیل

می‌دهند که نیازها و توقعاتشان با نیازهای جامعه در هم تنیده است. مدیریت چنین جامعه‌ای به برنامه‌ریزی دقیق و همه‌جانبه‌نگر نیاز دارد.

از طریق یادگیری، انسان مجدداً خود را خلق می‌کند. به کمک یادگیری انسان قادر به انجام کارهایی است که پیش از آن، هیچگاه برایش عملی نبوده است. یادگیری ظرفیت انسان را افزایش داده و به او کمک می‌کند که بخشی از فرآیند تأثیرگذار محیط خود باشد. در دنیای امروز با به وجود آمدن مشاغل جدید در جامعه، نیاز به ایجاد محیط‌های یادگیری غیررسمی بیش از پیش احساس می‌شود. برنامه‌های رسمی و متداول در کلاس‌ها و مدارس بیشتر متوجه پرورش حافظه و به کار بستن قوای ذهنی افراد است و به رشد جنبه‌های عاطفی و اجتماعی افراد توجه چندانی ندارد (رستگاریان، ۱۳۸۴). بر این اساس اکتفا کردن به آموزش و یادگیری مبتنی بر مطالب سازماندهی شده، غیرمنطقی است و حلال مشکلات زندگی افراد در آینده نیست. یادگیری غیررسمی به فعالیت‌های آگاهانه افراد در محیط کار اشاره دارد که در نتیجه آن دانش و مهارت‌های حرفه‌ای آنها رشد می‌کند (کوفر، ۲۰۰۰؛ لوهمن، ۲۰۰۰) و آزادی ایجاد تغییرات را، به دست می‌آورند (ماریوتی، ۱۹۹۹؛ کسه، ۱۹۹۸؛ ماگرات، ۱۹۹۷). بنابراین، افراد به نوعی از یادگیری علاقه دارند که آزادی عمل کافی داشته باشند و همیشه بتوانند بدون هیچ محدودیتی از آن استفاده نمایند و ضرورت استفاده از آن با چارچوب‌های کلاسی و محدودیت‌های آن همراه نشود.

امروزه استفاده از واژگانی مانند آموزش توسط همسالان^۱، ارزیابی توسط همسالان^۲، یادگیری توسط همسالان^۳، و حمایت توسط همسالان^۴، بسیار رایج شده است. شیوه یاددهی یادگیری در گروه کوچک، ابزاری است که در راستای پرورش فعالیت‌های دانشجویی و تقویت یادگیری مشارکتی می‌تواند نقش بسزایی ایفا کند (لوکر، ۱۹۸۹). دانشگاه‌ها باید با

-
1. Peer tutoring
 2. Peer assessment
 3. Peer learning
 4. Peer support

پژوهش‌های رهبری و مدیریت آموزشی

بهره‌گیری از تجارب سایر مراکز آموزش عالی، ایجاد جامع یادگیرنده در خوابگاه‌ها را، در برنامه‌های راهبردی خود، در اولویت خاص قرار دهند. یادگیری فعالی که درک عمیق تری از موضوع برای فراگیر به وجود می‌آورد و در طول زمان پایداری بیشتری دارد (کندان و همکاران، ۲۰۱۱). گروه‌های همسان در آموزش عالی موجب تقویت مهارت‌های ارتباطی، پاسخگویی، احترام، حل تضاد و تعهد می‌شوند و دانشجویان در یادگیری تجربی و مشارکتی، زمینه را برای رشد خود و دیگران فراهم می‌کنند (لورانسی، ۲۰۰۲). یادگیری مشارکتی شیوه‌ای از یادگیری است که در آن پویایی، خلاقیت، تعامل و وابستگی مثبت به هم، گره می‌خورد و فرد در عین تمایل به جمع، به خودجوشی می‌پردازد و زمینه رشد خود و دیگران را فراهم می‌کند (نصرآبادی و همکارانش، ۱۳۸۲). کرامتی (۱۳۸۲)، هم به نقل از هرید می‌نویسد: یادگیری مشارکتی در مقایسه با یادگیری انفرادی، معلومات بیشتر و عمیق تری را در اختیار شاگردان قرار می‌دهد.

فضای خوابگاه باید برای انجام فعالیت‌های مختلف اجتماعی ایده‌آل باشد تا دانشجویان مایل به بازگشت به محیط خوابگاه باشند، همچنین باید عواملی که باعث می‌شود فرد به سوی یادگیری برود از جمله: اجرای برنامه‌های شاد و مثبت، انگیزش دانشجویان، اجرای برنامه‌های تفریحی متناسب با نیاز دانشجویان و مهیا شود و فضای خوابگاه باید طوری باشد که افراد مانند خانه خود احساس راحتی کنند، نیازهای فردی دانشجویان را برآورده کند، اتاق دانشجویی باید متناسب با نیازهای دانشجویان طراحی شود نه به عنوان محلی برای خواب (کیلیکاسلان، ۲۰۱۳). خوابگاه‌های دانشجویی صرفاً برای استراحت و ایجاد روابط اجتماعی طراحی نشده‌اند و ماهیت خوابگاه‌های دانشجویی و تبدیل آنها به جوامع یادگیری اصلاحاتی نوین در برنامه‌های درسی و روش‌های تدریس و مدیریت خوابگاه‌ها طلب می‌کند. جامعه یادگیرنده به گروه‌هایی گفته می‌شود که با هدفی مشترک و به منظور برآورده کردن نیازهای علمی خود گرد هم می‌آیند. شرکت دادن افراد در گروه‌های یادگیری باعث می‌شود که انزوای دانشجویان شکسته شود، اعتماد به نفس افراد افزایش یابد، روابط میان فردی افراد بهبود

یابد، احترام و یادگیری متقابل؛ مهارت‌های ارتباطی و فردی افراد و حس همدلی افراد افزایش یابد (بین‌لین و همکارانش، ۲۰۱۴). یکی از مهمترین مصادیق جوامع یادگیری، خوابگاه‌های دانشجویی است. ایجاد جوامع یادگیری در خوابگاه‌های دانشجویی، جایگاه ویژه‌ای دارد. هدف از این امر برداشتن مرزهای موجود میان زندگی اجتماعی و علمی، بهبود کیفیت آموزش، به وجود آوردن فرهنگ تسهیم دانش، ایجاد انگیزه، تقویت فعالیت‌های گروهی و مدیریتی است.

پیشینه پژوهش

تحقیقات متفاوتی در مورد جوامع کوچک یادگیری، خوابگاه‌های دانشجویی و یادگیری مشارکتی و غیررسمی در ایران و خارج از کشور انجام شده است که در اینجا به مهمترین و مرتبط‌ترین آنها اشاره می‌شود. رفعت‌جاه (۱۳۸۹)، در پژوهش خود تحت عنوان «فراغت و ارزش‌های فرهنگی»، با هدف مطالعه الگوهای فراغت دانشجویان غیرتهرانی و شناخت مسائل و مشکلات اوقات فراغت آنان، به این نتیجه رسید که، بیش از نیمی از دانشجویان خوابگاهی از نحوه گذراندن اوقات فراغت خود ناراضی بوده و مهمترین دلیل نارضایتی آنها، محدودیت امکانات تفریحی و مشکلات مالی بوده است و همچنین شیوه گذراندن اوقات فراغت دانشجویان با برداشت آنها از فراغت، ارزش‌ها و نگرش‌ها، سبک زندگی، میزان پایبندی دینی و میزان برنامه‌ریزی آنها برای فراغت، ارتباط دارد. سعیدی (۱۳۸۷)، در پژوهشی به منظور شناخت مسائل و مشکلات اوقات فراغت دانشجویان به این نتیجه رسید که دانشجویان در برنامه‌ریزی اوقات فراغت خود با مشکلات اساسی مواجه هستند. همچنین فراغت بیش از هفتاد درصد دانشجویان در فضای سر بسته سپری می‌شود که عمدتاً غیرفعال است و می‌تواند غیرقابل کنترل و آسیب‌زا باشد؛ و همچنین بین وضعیت موجود و وضعیت مورد انتظار اوقات فراغت دانشجویان، شکاف وجود دارد و این امر بیشتر به دلیل موانع مالی و کمبود آزادی در انتخاب فراغت است و دانشجویان امکانات فراغتی موجود را با شأن دانشجویی و نیازشان متناسب

پژوهش‌های رهبری و مدیریت آموزشی

نمی‌دانند و از این رو خواستار این هستند که خودشان متولی اصلی برنامه‌های فراغتی خود باشند. مسعودی و همکارانش (۱۳۸۵)، در نتایج پژوهش خود اذعان داشتند که، دانشجویانی که در خوابگاه‌ها زندگی می‌کنند، نسبت به دانشجویانی که با خانواده خود زندگی می‌کنند، عملکرد تحصیلی بهتری دارند. محمودی‌راد و همکاران (۱۳۸۳)، در پژوهش خود تحت عنوان خوابگاه‌های دانشجویی به مثابه جوامعی برای یادگیری، به این نتیجه رسیدند که، رشد دانشجویانی که در خوابگاه‌ها سکونت دارند نسبت به افرادی که خارج از این گونه جوامع، به کسب علم مشغولند، بیشتر است؛ بنابراین برای تبدیل خوابگاه‌ها به جوامع کوچک یادگیری باید به مواردی چون ایجاد محیطی ایمن و حمایتی، افزایش گفت‌وگو، فعالیت‌های فوق برنامه، تقویت مهارت‌های زندگی، سازگاری با محیط دانشگاهی و مشارکت دانشجویان در اداره امور خوابگاه‌ها، اهمیت داده شود. جوان شیخی (۱۳۸۰)، در پژوهشی با عنوان «بررسی رابطه وضعیت فرهنگی-اجتماعی خانواده با میزان سازگاری اجتماعی دانشجویان خوابگاهی دانشگاه الزهراء»، به این نتیجه رسید که، عمده‌ترین مشکلات دانشجویان خوابگاهی؛ مشکلات سازگاری، عاطفی، رفاهی، بهداشتی، مالی، تحصیلی و بیماری‌های جسمی می‌باشد.

دجرینگ (۲۰۱۴)، در پژوهشی با هدف طراحی یک مدل یادگیری مبتنی بر وب با استفاده از روش یادگیری مشارکتی، به این نتیجه رسید که، طراحی مدل یادگیری مشارکتی مبتنی بر وب به منظور ارتقای مهارت در موسیقی در آموزش عالی، دارای ۵ مؤلفه می‌باشد که عبارتند از: ۱. پایه مشکل، ۲. منابع، ۳. موارد ارتباط، ۴. محیط، و ۵. ارتباطات برای یادگیری مشارکتی. ابراهیم و همکاران (۲۰۱۳)، در پژوهشی با هدف ایجاد فضای یادگیری در محیط خارج از کلاس برای دانشجویان، به این نتیجه رسیدند که محیط دانشگاه به خوبی می‌تواند موجب ترویج و تقویت یادگیری در بین افراد شود و دانشجویان را برای حل چالش‌های دانشگاه و بهبود یادگیری آماده کند؛ و دانشگاه باید به ایجاد محیطی برای یادگیری غیررسمی و تعامل میان جامعه دانشگاهی همت گمارد. لعل (۲۰۱۳)، در پژوهشی با هدف شناسایی عناصر اساسی مؤثر بودن یادگیری تیمی، به این نتیجه رسید که افراد در گروه‌های

کوچک یادگیری، به سوی یک هدف مشترک حرکت می‌کنند، اعضا نسبت به هم، وابستگی مثبت دارند، افراد برای رسیدن به هدف گروه متعهد هستند، افراد هم گروه‌ها را به توسعه مهارت‌های اجتماعی و اعتمادسازی متقابل تشویق می‌کنند و اعضای گروه به خود ارزیابی اهمیت می‌دهند. مارتین (۲۰۰۹)، در پژوهشی که در دانشگاه میسوری مرکزی به منظور ارزیابی کارایی یادگیری مبتنی بر تیم، انجام داده است به این نتیجه رسید که، این شیوه آموزش نسبت به شیوه‌های دیگر، مفیدتر و مؤثرتر است، به ویژه برای دانشجویان علوم پزشکی. اینکلاس و همکارانش (۲۰۰۳)، پس از انجام پژوهش خود، دریافتند که برنامه‌های درون خوابگاه‌های دانشجویی که بر رویکرد زندگی - یادگیری تأکید می‌کنند، سطوح بالاتری از مشارکت دانشجو در فعالیت‌های دانشگاهی و نتایج تحصیلی قوی‌تری را ایجاد می‌کنند. جانسون (۲۰۰۱)، معتقد است افرادی که در جوامع یادگیرنده خوابگاه‌های دانشجویی فعالیت مستمر دارند، تعامل و رشد فکری بیشتری نسبت به دانشجویانی دارند که در خوابگاه‌های سنتی زندگی می‌کنند. گلد (۲۰۰۰)، پس از بررسی خود به این نتیجه رسید که، علاوه بر نقش دانشجویان، مشارکت هیأت علمی در اثربخشی جوامع یادگیرنده، امری ضروری است. مشارکت بیشتر در یادگیری از راه زندگی در خوابگاه‌ها، با تفکر انتقادی، موفقیت تحصیلی و دیگر دستاوردهای شناختی (اینمان و همکارانش، ۱۹۹۸؛ پاسکارلا و همکارانش، ۱۹۹۳؛ پایک، ۱۹۹۹؛ ترنزینی و همکاران، ۱۹۹۶)، و همچنین تعهد و بقا (آستین، ۱۹۹۳؛ تینتو، ۱۹۷۵؛ ولز، ۱۹۸۵) ارتباط دارد. پایک و همکاران (۱۹۹۷)، نیز در تحقیقات خود ارتباط میان جوامع یادگیرنده در خوابگاه‌های دانشجویی و تجربیات به دست آمده از سوی دانشجویان را مورد بررسی قرار داده‌اند؛ از نظر آنان، جوامع یادگیرنده در خوابگاه‌های دانشجویی، موجب موفقیت تحصیلی دانشجویان می‌شود؛ به علاوه برنامه‌های جوامع یادگیری اثربخش‌تر از سایر برنامه‌های یادگیری‌اند و سرمایه‌گذاری در این نوع جوامع، میزان دانش‌آموختگی موفق را افزایش می‌دهد.

روش پژوهش

در این پژوهش، از روش تحقیق آمیخته استفاده شده است. به‌طور خاص در رویکردهای روش تحقیق آمیخته، محقق هر دو روش تحقیق کمی و کیفی را ترکیب می‌کند و به همدیگر پیوند می‌دهد. چهارنوع روش تحقیق آمیخته به‌وسیله کرسول و پلانوکلاک (۲۰۰۷)، ارائه شده است که در این تحقیق از طرح اکتشافی استفاده شده است. طرح اکتشافی یک طرح آمیخته دو مرحله‌ای است که با جمع‌آوری و تحلیل داده‌های کیفی شروع می‌شود. در واقع داده‌های کیفی برای تشریح یک عنوان به کار می‌رود و پس از جمع‌آوری و تحلیل داده‌های کیفی، مرحله دوم که در آن داده‌های کمی از داده‌های کیفی، گردآوری و تحلیل می‌شود، شروع می‌شود. مرحله کمی بعد از مرحله کیفی و بر مبنای داده‌های کیفی ساخته می‌شود. این پژوهش، برای مشخص کردن چالش‌ها و راهکارهای تبدیل خوابگاه‌ها به جوامع کوچک یادگیری با روش کیفی شروع شده است و سپس نتایج داده‌های کیفی برای تدوین یک ابزار کمی برای شناسایی چالش‌ها و راهکارهای خوابگاه‌های دانشگاه علامه طباطبایی در تبدیل شدن به جوامع کوچک یادگیری، استفاده شده است.

روش کیفی این پژوهش، نوع خاصی از پژوهش کیفی به نام نظریه برخاسته از داده است. فرآیند ایجاد نظریه برخاسته از داده، از همان ابتدای شروع پژوهش تا پایان آن به صورت مداوم ادامه دارد. در فرآیند ساخت نظریه برخاسته از داده‌ها، داده‌های گردآوری شده به مفاهیم کدگذاری تبدیل شده و در یک پیوستار فرآیندی به هم متصل می‌شوند. اولین مرحله تجزیه و تحلیل داده‌ها براساس نظریه برخاسته از داده، با استفاده از کدگذاری نظری انجام شده است. کدگذاری نظری شامل سه مرحله «کدگذاری باز»، «کدگذاری محوری» و «کدگذاری گزینشی» می‌باشد. با این حال فرآیند تفسیر با کدگذاری باز آغاز شده و با نزدیک شدن به مرحله پایانی فرآیند تحلیل، کدگذاری گزینشی بیشتر مطرح می‌شود (لقمان نیا، ۱۳۹۰). پس از انجام هر مصاحبه، متن مصاحبه‌ها به‌طور کامل از فایل ضبط شده استخراج شدند تا با استفاده از آن‌ها، کدگذاری داده‌ها راحت‌تر صورت گیرد. قبل از تحلیل متن مصاحبه‌ها، چندین بار متن

مصاحبه‌ها خوانده شدند تا آشنایی کامل با متن صورت بگیرد و بتوان معانی اصلی را استخراج نمود. شروع عملیات تحلیل بعد از اولین مصاحبه آغاز و بعد از دو مصاحبه، کار کدگذاری و دسته‌بندی آغاز شدند؛ این کار به محقق کمک می‌کند تا بتواند سوالات مورد نیاز را طراحی و مسیر مصاحبه را بهتر هدایت نماید. به این ترتیب، مراحل زیر در تحلیل داده‌ها به دقت دنبال گردید: مصاحبه‌ها یک به یک و کلمه به کلمه، بر روی کاغذ پیاده شدند و سپس سطر به سطر مورد بررسی قرار گرفته و جملات معنی‌دار که مرتبط با موضوع اصلی پژوهش بودند، علامت گذاری شدند. مفهوم اصلی جملات معنی‌دار به صورت کد، استخراج شده و دسته‌بندی کدها آغاز شدند؛ به این ترتیب که کدهای با مفهوم مشترک تحت یک طبقه قرار داده شده و نامگذاری گردیدند. با هر بار مصاحبه جدید ممکن است طبقه‌های قبلی بازننگری و حتی ادغام و یا طبقه‌ جدیدی ایجاد گردد. به این ترتیب، با تشکیل طبقه‌بندی، تم‌های اصلی مطالعه استخراج و ارتباط بین طبقه‌ها مشخص شده است.

در بخش کیفی این پژوهش، گروه نمونه ۲۵ نفر (۷ نفر از اساتید هیأت علمی دانشگاه علامه طباطبایی، ۶ نفر از مدیران و سرپرستان خوابگاه، ۶ نفر دانشجوی دختر خوابگاهی و ۶ نفر دانشجوی پسر خوابگاهی)، بودند که به صورت هدفمند انتخاب شدند. این گروه از طریق نمونه‌گیری هدفمند گلوله‌برفی انتخاب شدند. معیار انتخاب افراد در این نمونه افرادی بودند که با بحث یادگیری آموزش عالی و خوابگاه‌ها در ارتباط بودند. روش نمونه‌گیری در بخش کمی پژوهش، تصادفی طبقه‌ای بوده است. جامعه آماری بخش کمی بر اساس اطلاعات اداره امور خوابگاه‌ها، ۳۱۵۰ نفر دانشجوی خوابگاهی دانشگاه علامه طباطبایی بوده، که با بهره‌گیری از روش نمونه‌گیری تصادفی، تعداد ۳۴۰ نفر دانشجوی خوابگاهی از ۶ خوابگاه دانشگاه علامه طباطبایی (۳ خوابگاه دخترانه و ۳ خوابگاه پسرانه)، به عنوان نمونه آماری، مورد بررسی قرار گرفته است. در بخش کیفی از چند ابزار شامل فیش برداری، مصاحبه نیمه ساختمند جهت جمع‌آوری اطلاعات استفاده شده است. در بخش کمی برای پاسخ به سوالات پژوهش از پرسشنامه محقق‌ساخته استفاده شده است. این پرسشنامه شامل دو قسمت است؛ یک قسمت

پژوهش‌های رهبری و مدیریت آموزشی

پرسشنامه مربوط به چالش‌های خوابگاه‌های در تبدیل شدن به جوامع کوچک یادگیری و قسمت دیگر، پرسشنامه مربوط به راهکارهای پیشنهادی مرتبط با هرچالش، می‌باشد. هر قسمت این پرسشنامه شامل ۲۱ سؤال می‌باشد که قسمت اول، مربوط به چالش‌ها می‌باشد و قسمت دوم، راهکارها را شامل می‌شود که بر روی طیف لیکرت، از ۱ تا ۵ نمره گذاری شده است. همچنین این پرسشنامه‌ها برای سنجش چالش‌ها و راهکارهای تبدیل خوابگاه‌ها به جوامع کوچک یادگیری، دارای ۴ ابعاد (الف). ابعاد ساختاری-مدیریتی (سؤال‌های ۱ تا ۷)، ب). ابعاد فرهنگی - اجتماعی (سؤال‌های ۸ تا ۱۳)، ج). ابعاد درون- فردی (سؤال‌های ۱۴ تا ۱۷)، و د). ابعاد علمی - حرفه‌ای (سؤال‌های ۱۸ تا ۲۱)، می‌باشند. در بخش کمی، روش آماری مورد استفاده در آن، آمار استنباطی شامل t تک نمونه‌ای و تحلیل واریانس یک‌طرفه می‌باشد. در این پژوهش برای اعتبار سنجی روایی این پرسشنامه‌ها، از کتب و مقالات مرتبط استفاده شده است و با اساتید راهنما و مشاور و صاحب‌نظران علوم تربیتی بحث و تبادل نظر شده است. همچنین برای سنجش پایایی این پرسشنامه‌ها، از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شده است که برای تعیین پایایی این پرسشنامه‌ها، در یک مطالعه آزمایشی، پرسشنامه توسط ۴۰ نفر از دانشجویان خوابگاهی تکمیل شده و ضریب آلفای کرونباخ پرسشنامه مربوط به چالش‌ها، ۰/۸۷ و ضریب آلفای پرسشنامه مربوط به راهکارها، ۰/۹۶ برآورد شده است.

یافته‌های پژوهش

الف) تجزیه و تحلیل داده‌های کیفی

در این پژوهش سؤال کلی پژوهش مبنی براینکه «چالش‌ها و راهکارهای تبدیل خوابگاه‌های دانشجویی دانشگاه علامه طباطبایی در تبدیل شدن به جوامع کوچک یادگیری، کدام است؟»، به روش کیفی مورد بررسی قرار گرفته است. در پژوهش حاضر نظریه برخاسته از داده‌ها به عنوان روش تحلیل داده‌های کیفی و بررسی سؤال کلی پژوهش مورد استفاده قرار گرفته است. در نظریه برخاسته

از داده‌ها، سه مرحله کدگذاری وجود دارد که به ترتیب عبارتند از: کدگذاری باز^۱، کدگذاری محوری^۲ و کدگذاری گزینشی^۳. در مرحله کدگذاری باز داده‌های به‌دست آمده از مصاحبه‌ها، به صورت سطر به سطر جهت استخراج مفاهیم اولیه، کدگذاری شدند. در پژوهش حاضر در مجموع، ۹۶۵ مفهوم یا کد باز به‌دست آمده است؛ سپس مفاهیم (کدهای اولیه) مشترک و مشابه از نظر معنایی، در قالب ۲۱ مقوله اولیه، طبقه‌بندی شدند و بعد از انجام عملیات کدگذاری باز، در مرحله کدگذاری محوری، مقوله‌های مشترک و مشابه از نظر معنایی در قالب ۴ مقوله عمده طبقه‌بندی شدند. در جدول زیر ۴ مقوله‌های عمده (ابعاد ساختاری - مدیریتی، فرهنگی - اجتماعی، درون فردی و علمی - حرفه‌ای)، برگرفته از ۲۱ مقوله اولیه، آورده شده است.

جدول ۱. مقوله‌های عمده (نهایی) برگرفته از ۲۱ مقوله اولیه

مقوله‌های اولیه	مقوله‌های عمده (نهایی)
مقوله‌های اولیه	مقوله‌های عمده (نهایی)
تخصصی کردن؛ برنامه‌ریزی؛ امکانات؛ تفویض اختیار؛ تخصیص بودجه؛ جوسازمانی؛ اعتماد-	ابعاد ساختاری - مدیریتی
مسائل سیاسی؛ عوامل فرهنگی؛ مسائل اقتصادی؛ عوامل اجتماعی	ابعاد فرهنگی - اجتماعی
عوامل انگیزشی؛ عوامل روانی؛ خودباوری؛ عوامل شخصیتی؛ توانایی‌های فردی	ابعاد درون فردی
استمرار یادگیری؛ تسهیم دانش؛ هوش فرهنگی؛ همسان‌سازی؛ اخلاق‌مداری	ابعاد علمی - حرفه‌ای

در مرحله کدگذاری گزینشی باید مقوله هسته انتخاب شده و ارتباط بین کلیه مقوله‌های عمده حول محور مقوله هسته، مورد بررسی قرار گیرد. در پژوهش حاضر، بعد از چندین بار مطالعه و رفت و برگشت‌هایی که میان داده‌ها، مفاهیم (کدها) و مقوله‌ها صورت گرفته، مشخص شده است که یک مقوله اصلی بیش از همه در داده‌ها و مصاحبه‌ها خود را نمایان می‌سازد و به نوعی همه مقوله‌های زیر مجموعه آن محسوب می‌شوند و این مقوله به عنوان

1. Open Coding
2. Axial Coding
3. Selective Coding

پژوهش‌های رهبری و مدیریت آموزشی

مقوله مرکزی یا هسته‌ای پژوهش حاضر که تحت عنوان «چالش‌ها خوابگاه‌ها در تبدیل شدن به جوامع کوچک یادگیری و راهکارهای رفع رفع این چالش‌ها»، شناسایی شده است. در این پژوهش داده‌ها به انحای مختلف از مقوله‌های مرتبط با مقوله هسته سخن می‌گویند.

(ب) تجزیه و تحلیل داده‌های کمی

در راستای رسیدن به هدف کلی پژوهش و به منظور بررسی تفاوت دیدگاه‌های دانشجویان خوابگاهی دانشگاه علامه طباطبایی، با توجه به میانگین‌های به دست آمده، قصد بر این است که مشخص کند، آیا دانشجویان چالش‌های خوابگاه‌های دانشگاه علامه طباطبایی در تبدیل شدن به جوامع کوچک یادگیری را تأیید می‌کنند یا خیر؛ که برای رسیدن به این هدف، از آزمون t تک نمونه‌ای استفاده شده، که نتایج حاصل از آنها در جدول ۲ ارائه شده است.

جدول ۲. مقایسه میانگین نظرات دانشجویان در خصوص چالش‌های خوابگاه در تبدیل شدن به جوامع

کوچک یادگیری با میانگین فرضی ۳

مؤلفه‌ها	میانگین	انحراف	تفاوت	مقارن	معیاری
چالش	معیار	میلگین	میلگین	میلگین	میلگین
فقدان نگاه تخصصی به مدیریت و رهبری خوابگاه‌ها	۲/۸۵۲۹	۰/۹۸۵۵	۰/۸۵۲۹۴	۱۴/۰۸۸	۰/۰۰۰۱
برنامه‌ریزی‌های ضعیف و غیرعلمی در ارتباط با اداره امور خوابگاه‌ها	۳/۶۷۶۵	۰/۹۵۶۹	۰/۶۷۶۵۱	۱۳/۰۳۵	۰/۰۰۰۱
نگاه مدیرمحوری به اداره امور خوابگاه‌ها و توجه اندک به نیازها و خواسته‌های دانشجویان	۳/۹۱۴۷	۲/۹۱۴۹	۰/۹۱۴۷۲	۵/۷۸۶	۰/۰۰۰۱
وجود بروکراسی آشفته اداری و قوانین و مقررات خشک و دست و پاگیر در حوزه خوابگاه‌ها	۳/۵۸۵۳	۱/۱۲۹۵	۰/۵۸۵۳	۹/۵۵۴	۰/۰۰۰۱
کمبود امکانات و تجهیزات مناسب نظیر کلبه‌خانه، پایگاه اطلاعاتی و سایت اینترنتی منطبق با استانداردهای این حوزه	۴/۰۵۵۹	۱/۰۳۶۱	۱/۰۵۵۹	۱۸/۸۹۱	۰/۰۰۰۱
درک و اعتماد متقابل اندک میان مدیران و دانشجویان ساکن خوابگاه‌ها	۳/۵۹۱۲	۱/۰۴۴۹	۰/۵۹۱۲۴	۱۰/۴۳۲	۰/۰۰۰۱
مشکلات عدیده خوابگاه‌ها در زمینه بودجه و اعتبارات مورد نیاز	۳/۹۰۰۰	۰/۹۸۷۵	۰/۹۰۰۰۰	۱۶/۸۰۵	۰/۰۰۰۱

۰/۰۰۰۱	۱۷/۲۵۹	۰/۹۳۳۵	۰/۹۸۶۶	۳/۹۳۳۵	نگاه اشتباه به خوابگاه، صرفاً به عنوان محیط خواب و استراحت دانشجویان
۰/۰۰۰۱	۲۰/۰۹۷	۱/۰۶۱۸	۰/۹۷۴۱	۴/۰۶۱۸	تنزل فرهنگ و روحیه یادگیری دانشجویان به دلیل دغدغه های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی
۰/۰۰۰۱	۱۲/۱۱۸	۰/۶۹۴۱	۱/۰۵۶۲	۳/۶۹۴۱	فرهنگ و روحیه پایین دانشجویان در زمینه کار تیمی و مشارکت در امور و فقدان برنامه مشخص خوابگاه‌ها به منظور ارتقای آن
۰/۰۰۰۱	۴/۱۱۹	۰/۶۶۶۷	۲/۹۷۵۷	۳/۶۶۶۷	وجود مشکلات رو به گسترش فرهنگی و اخلاقی در میان دانشجویان ساکن خوابگاه
۰/۰۰۰۱	۸/۹۱۲	۰/۵۲۰۶	۱/۰۷۶۵	۳/۵۲۰۶	فرهنگ و روحیه پایین دانشجویان در زمینه های یادگیری، مهارت‌آموزی و نوآوری و کارآفرینی
۰/۰۰۰۱	۶/۱۵۸	۰/۳۸۳۴	۱/۱۴۶۸	۳/۳۸۳۴	شناخت حلقه‌ای دانشجویان از اقوام و فرهنگ های مختلف در کشور و عدم درک متقابل دانشجویان با فرهنگ های مختلف از یکدیگر بروز مشکلاتی در این زمینه
۰/۰۰۰۱	۹/۰۴۵	۰/۵۵۰۰	۱/۱۲۱۲	۳/۵۵۰۰	باور اندک دانشجویان به رشته تحصیلی شان و در نتیجه انگیزه پایین آنان در امر تحصیل
۰/۰۰۰۱	۸/۳۴۱	۰/۴۸۸۲	۱/۰۷۹۳	۳/۴۸۸۲	مهارت های اجتماعی پایین در میان دانشجویان نظیر مشارکت در جمع و استدلال و دفاع از دیدگاه های فردی خویش
۰/۰۰۰۱	۱۳/۵۳۹	۰/۸۰۰۰	۱/۰۸۹۵	۳/۸۰۰۰	روند رو به افزایش استرس، افسردگی، کاهش امید به زندگی و دوری از جمع در میان دانشجویان ساکن خوابگاه‌ها
۰/۰۰۰۱	۱۷/۹۲۹	۱/۰۲۸۲	۱/۰۲۷۷	۴/۰۳۸۲	اشاعه روحیه مدرک‌گرایی و یادگیری صرفاً به منظور کسب نمره بیشتر در میان دانشجویان
۰/۰۰۰۱	۱۴/۹۸۰	۰/۸۴۱۲	۱/۰۳۵۴	۳/۸۴۱۲	دشواری دسترسی دانشجویان به اساتید خارج از کلاس و بنابراین یادگیری حلقه‌ای دانشجویان در محیط بیرون از کلاس علی‌رغم اهمیت بسیار آن
۰/۰۰۰۱	۱۳/۶۴۵	۰/۸۱۱۸	۱/۰۹۷۰	۳/۸۱۱۸	چینش غیر علمی، غیر هدفمند و تصادفی دانشجویان هم‌اتاقی در کنار یکدیگر در خوابگاه های دانشجویی
۰/۰۰۰۱	۱۵/۰۸۲	۰/۸۵۲۹	۱/۰۴۲۸	۳/۸۵۲۹	فقدان برنامه‌های مشخص در زمینه ارتقای دانش و مهارت‌های دانشجویان در خوابگاه

فرهنگی اجتماعی

درون‌رزی

عطفی حرفی

باتوجه به اینکه در نمره‌گذاری چالش‌ها، به چالش خیلی کم، نمره ۱ داده شده؛ و به چالش خیلی زیاد، نمره ۵ داده شده است، بنابراین اگر میانگین نظرات دانشجویان با میانگین فرضی ۳، بالاتر از ۳ باشد، پس چالش‌ها تأیید می‌شوند. همانطور که در جدول ۲ مشاهده می‌شود میانگین چالش‌های خوابگاه‌ها در تبدیل شدن به جوامع کوچک یادگیری، همگی بالاتر از میانگین فرضی ۳ می‌باشد؛ بنابراین چالش‌های خوابگاه‌ها در تبدیل شدن به جوامع کوچک یادگیری بالاتر از حد متوسط می‌باشد، و با توجه به مقدار t و سطح معناداری به دست آمده، به این علت که سطح معناداری مربوط به متغیرهای چالش‌ها کمتر از سطح آلفای ۰/۰۵ می‌باشد، در نتیجه فرض صفر (عدم اختلاف بین میانگین چالش‌های خوابگاه‌ها در تبدیل شدن به جوامع کوچک یادگیری) مربوط به این آزمون، رد می‌شود و می‌توان ادعا داشت که دانشجویان چالش‌های خوابگاه‌ها در تبدیل شدن به جوامع کوچک یادگیری را، تأیید می‌کنند. همچنین به منظور بررسی تفاوت دیدگاه‌های دانشجویان خوابگاهی دانشگاه علامه طباطبایی، با توجه به میانگین‌های به دست آمده، قصد بر این است که مشخص کند، آیا دانشجویان راهکارهای پیشنهادی برای چالش‌های خوابگاه‌های دانشگاه علامه طباطبایی در تبدیل شدن به جوامع کوچک یادگیری را تأیید می‌کنند یا خیر؛ که برای رسیدن به این هدف، از آزمون t تک نمونه‌ای استفاده شده، که نتایج حاصل از آنها در جدول ۳ ارائه شده است.

جدول ۳. مقایسه میانگین نظرات دانشجویان درباره راهکارهای مرتبط با هرچالش خوابگاه در تبدیل شدن به جوامع

کوچک یادگیری با میانگین فرضی ۳

مؤلفه‌ها	میانگین	انحراف معیار	تفاوت میانگین	مقلد ^۱	معیاری
آموزش و توانمندسازی مدیران فعلی خوابگاه‌ها و نگاه تخصصی به جذب مدیران جدید در این بخش	۳/۸۲۶۵	۱/۰۵۱۴	۰/۸۲۶۵	۱۴/۴۹۴	۰/۰۰۰۱
برنامه‌ریزی علمی، سیستمی و هدفمند به منظور تبدیل خوابگاه‌ها به جوامع کوچک یادگیری	۴/۰۲۶۵	۲/۹۵۹۲	۱/۰۲۶۵	۶/۳۹۶	۰/۰۰۰۱
جلب مشارکت حداکثری دانشجویان در اداره امور خوابگاه‌ها در تملی مراحل طراحی، تدوین و اجرای برنامه‌ها	۳/۹۲۹۴	۱/۰۴۹۹	۰/۹۲۹۴	۱۶/۳۵۳	۰/۰۰۰۱
بازنگری و اصلاح قوانین و مقررات حوزه خوابگاه‌ها در راستای توسعه جو اعتماد و مشارکت بین دانشگاه و دانشجویان	۳/۹۹۶۶	۱/۰۱۱۱	۰/۹۹۶۶	۱۷/۶۴۵	۰/۰۰۰۱
تکمیل و بهینه‌سازی امکانات و تجهیزات خوابگاهی و تجمیع آنان در کوی خوابگاه‌های دانشجویی	۴/۱۳۵۳	۱/۰۲۴۴	۱/۱۳۵۳	۲۰/۴۴۴	۰/۰۰۰۱
افزایش درک و اعتماد متقابل میان مدیران و دانشجویان و توسعه تشکل‌های دانشجویی و مشارکت آنان در اداره امور خوابگاه‌ها	۳/۸۹۴۱	۱/۰۶۱۷	۰/۸۹۴۱	۱۵/۵۱۷	۰/۰۰۰۱
افزایش حمایت دانشگاه از خوابگاه‌ها و اختصاص بودجه و اعتبارات لازم در این زمینه	۴/۰۳۳۴	۱/۰۷۰۷	۱/۰۳۳۴	۱۷/۷۷۸	۰/۰۰۰۱
تغییر نگاه به خوابگاه از محیط خواب و استراحت به محیطی یادگیرنده و مشارکتی	۳/۹۸۸۲	۱/۰۵۷۶	۰/۹۸۸۲	۱۷/۲۱۲	۰/۰۰۰۱
توجه به حل مشکلات و رفع دغدغه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی دانشجویان تا حد امکان در راستای ارتقای روحیه یادگیری آنان	۴/۰۵۷۸	۱/۰۶۵۴	۱/۰۵۵۸	۱۸/۳۳۴	۰/۰۰۰۱
تدوین برنامه‌های مشخص و هدفمند جهت ارتقای روحیه کار تیمی دانشجویان و جلب مشارکت حداکثری آنان در اجرای این برنامه‌ها و اداره امور خوابگاه‌ها	۳/۹۳۳۵	۱/۰۱۳۲	۰/۹۳۳۵	۱۶/۸۰۷	۰/۰۰۰۱
آسیب‌شناسی دقیق فرهنگی و اجرای برنامه‌ها و اقدامات هدفمند منطبق با نیازها و شرایط کونی جوانان و دانشجویان	۳/۸۸۲۴	۰/۹۹۴۵	۰/۸۸۲۴	۱۶/۳۵۹	۰/۰۰۰۱
تدوین برنامه‌ها و اقدامات اجرایی در زمینه ارتقای روحیه یادگیری و مهارت‌آموزی دانشجویان و توسعه فرهنگ خلاقیت، نوآوری و کرافرنی میان آنان	۳/۸۹۴۱	۱/۰۲۸۴	۰/۸۹۴۱	۱۴/۱۰۰	۰/۰۰۰۱

سازمان مدیریت

روانشناسی اجتماعی

پژوهش‌های رهبری و مدیریت آموزشی

۰/۰۰۱	۱۶/۱۴۶	۰/۸۵۳	۱/۰۱۱۰	۳/۸۵۳	تلاک برنامه‌های آموزشی، مشوره‌ای و فرهنگی به منظور ارتقای هوش فرهنگی و اعتماد به نفس ملی دانشجویان و افزایش آگاهی‌های آنان نسبت به فرهنگ‌های مختلف در کشور
۰/۰۰۱	۱۵/۲۴۱	۰/۸۶۱۸	۱/۰۴۲۶	۳/۸۶۱۸	ارتقای خودیوری و اعتقاد و باور دانشجویان به رشته تحصیلی‌شان و بهره‌گیری از مکاتیب‌های انگیزشی مناسب به منظور افزایش علاقه و روحیه یادگیری آنان
۰/۰۰۱	۱۴/۲۲۰	۰/۸۲۹۴	۱/۰۷۵۴	۳/۸۲۹۴	تلاک برنامه‌های گروهی و تشکیل اتاق‌های فکری برای دانشجویان و گذراندن جلسات هم‌لابشی و بحث و گفت‌وگو آزاد میان دانشجویان با مشارکت و هدایت اساتید
۰/۰۰۱	۱۴/۶۵۱	۰/۸۵۲۹	۱/۰۷۳۴	۳/۸۵۲۹	آسب‌شناسی دقیق رولی دانشجویان و اجرای برنامه‌های آموزشی، مشوره‌ای و انگیزشی به منظور ارتقای روحیه و کیفیت زندگی دانشجویان ساکن خوابگاه‌ها
۰/۰۰۱	۱۷/۶۲۹	۰/۹۸۲۴	۱/۰۲۷۴	۳/۹۸۲۴	اجرای برنامه‌ها و اقداماتی به منظور لذت‌بخش نمودن امر یادگیری برای دانشجویان و تبدیل آنان به افرادی یادگیرنده و پژوهش‌محور در زندگی پیش‌رو
۰/۰۰۱	۱۴/۲۷۵	۰/۸۹۱۲	۱/۱۴۳۱	۳/۸۹۱۲	تلاک برنامه‌های حضور و مشارکت اساتید در جلسات آموزشی، مشوره‌ای و بحث و گفت‌وگو آزاد با دانشجویان در خوابگاه‌ها در راستای ارتقای یادگیری‌های خارج از محیط کلاس
۰/۰۰۱	۱۴/۰۱۱	۰/۸۴۱۲	۱/۰۷۰	۳/۸۴۱۲	چینش علمی و هدفمند دانشجویان هم‌اتاقی بر اساس تجسس و همگونی رشته و مقاطع تحصیلی آنان و تبدیل اجتماع‌ها را به جوامع کوچک یادگیری
۰/۰۰۱	۱۵/۲۴۲	۰/۸۵۳	۱/۰۴۶۹	۳/۸۵۳	نیازسنجی، برنامه‌ریزی و اجرای آموزش‌ها و مشوره‌های تخصصی و کاربردی به دانشجویان در خوابگاه‌ها
۰/۰۰۱	۱۹/۶۷۱	۱/۱۲۰۶	۱/۰۵۰۴	۴/۱۲۰۶	اجرای امور فرق برنامه‌نظیر آموزش، مشوره و برنامه‌های بلزید جهت آشنایی دانشجویان با فرصت‌ها و محیط‌های کاری آینده‌شان

دوره اول

۹۳

باتوجه به اینکه در نمره‌گذاری راهکارها، میزان موافقت دانشجویان با راهکار پیشنهادی برای هر چالش، از ۱ تا ۵ بوده است و به موافقت خیلی کم با هر راهکار، نمره ۱ داده شده؛ و موافقت خیلی زیاد، نمره ۵ داده شده است، بنابراین اگر میانگین نظرات دانشجویان با میانگین فرضی ۳، بالاتر از ۳ باشد، پس راهکارهای پیشنهادی خوب و مورد تأیید است.

همانطور که در جدول ۳ مشاهده می‌شود میانگین راهکارهای پیشنهادی برای هر چالش خوابگاه‌ها در تبدیل شدن به جوامع کوچک یادگیری، همگی بالاتر از میانگین فرضی ۳ می‌باشد؛ بنابراین راهکارهای پیشنهادی برای هر چالش خوابگاه‌ها در تبدیل شدن به جوامع

کوچک یادگیری بالاتر از حد متوسط می‌باشد، و با توجه به مقدار t و سطح معناداری به دست آمده، به این علت که سطح معناداری مربوط به متغیرهای راهکارهای پیشنهادی هر چالش، کمتر از سطح آلفای $0/05$ می‌باشد، در نتیجه فرض صفر (عدم اختلاف بین میانگین راهکارهای مرتبط با هر چالش خوابگاه‌ها در تبدیل شدن به جوامع کوچک یادگیری) مربوط به این آزمون، رد می‌شود و می‌توان ادعا داشت که راهکارهای مرتبط برای هر چالش خوابگاه‌ها در تبدیل شدن به جوامع کوچک یادگیری، مورد تأیید است. پس دانشجویان، موافق راهکارهای پیشنهادی برای هر چالش خوابگاه‌ها در تبدیل شدن به جامعه کوچک یادگیری می‌باشند.

در راستای رسیدن به هدف پژوهش، در این پژوهش به منظور مقایسه میانگین‌های چالش‌ها و راهکارهای خوابگاه‌های دانشجویی در تبدیل شدن به جوامع کوچک یادگیری در دانشگاه علامه طباطبایی به تفکیک متغیرهای جنسیت، خوابگاه (الف: پسرانه (شانه چی، مطهری و همت)؛ ب: دخترانه (ولیعصر، ارشاد و گل‌عداری)؛ و مقطع تحصیلی آنها، مبنی بر اینکه، بین میانگین‌های دیدگاه‌های دانشجویان خوابگاهی علامه طباطبایی، به تفکیک متغیرهای جنسیت، خوابگاه و مقطع تحصیلی آنها، تفاوت معنادار وجود دارد، از تحلیل واریانس یک‌راهه استفاده شده است که نتایج حاصل از آن در جدول ۴ ارائه شده است.

جدول ۴. نتایج آزمون تحلیل واریانس یک‌راهه جهت بررسی میانگین چالش‌ها و راهکارهای خوابگاه‌های

دانشجویی در تبدیل به جامعه کوچک یادگیری.

چالش/راهکار متغیر	منابع تغییر	مجموع مجنورات	درجات آزادی	میانگین مجموع مجنورات	مقدار F	سطح معناداری	وضعیت
چالش‌ها	بین گروهی	۱۵۸/۰۳۹	۱	۱۵۸/۰۳۹	۰/۹۶۲	۰/۳۲۷	عدم رد فرض صفر
	درون گروهی	۵۵۵۰۴/۹۵۰	۳۳۸	۱۶۴/۲۱۶			
	کل	۵۵۶۶۲/۹۸۸	۳۳۹				
چالش‌ها	بین	۱۴۷۵/۱۲۰	۵	۲۹۵/۰۲۴	۱/۸۱۸	۰/۱۰۹	عدم رد فرض صفر

خوابگاه	گروهی	درون	۵۴۱۸۷/۸۶۸	۳۳۴	۱۶۲/۲۳۹	صفر		
	گروهی	کل	۵۵۶۶۲/۹۸۸	۳۳۹				
مقطع	بین	بین	۲۲۸/۵۳۳	۲	۱۱۴/۲۶۶	۰/۶۹۵	۰/۵۰۰	علم رد فرض
تحصیلی	گروهی	درون	۵۵۴۳۴/۴۵۶	۳۳۷	۱۶۴/۴۹۴	صفر		
	گروهی	کل	۵۵۶۶۲/۹۸۸	۳۳۹				
راهکارها	بین	بین	۰/۶۰۷	۱	۰/۶۰۷	۰/۰۰۲	۰/۹۶۰	علم رد فرض
	گروهی	درون	۸۳۲۰۶/۳۶۶	۳۳۸	۲۴۶/۱۷۳	صفر		
	گروهی	کل	۸۳۲۰۶/۹۷۴	۳۳۹				
خوابگاه	بین	بین	۲۰۱۴/۸۹۱	۵	۴۰۲/۹۷۸	۱/۶۵۸	۰/۱۴۴	علم رد فرض
	گروهی	درون	۸۱۱۹۲/۰۸۳	۳۳۴	۲۴۳/۰۹۰	صفر		
	گروهی	کل	۸۳۲۰۶/۹۷۴	۳۳۹				
مقطع	بین	بین	۱۰۰۰/۳۳۴	۲	۵۰۰/۱۶۷	۲/۰۵۰	۰/۱۳۰	علم رد فرض
تحصیلی	گروهی	درون	۸۲۲۰۶/۶۳۹	۳۳۷	۲۴۳/۹۳۷	صفر		
	گروهی	کل	۸۳۲۰۶/۹۷۴	۳۳۹				

همانطور که در جدول بالا مشاهده می‌شود با توجه به میزان F و سطوح معناداری به دست آمده به منظور آزمون میانگین چالش‌های خوابگاه‌های دانشجویی در تبدیل شدن به جوامع کوچک یادگیری در دانشگاه علامه طباطبائی به تفکیک متغیرهای جنسیت، خوابگاه و مقطع تحصیلی آنها، با توجه به میزان F

و سطوح معناداری به دست آمده، به این دلیل که میزان سطوح معناداری مربوط به آزمون متغیرهای مطرح شده، بیشتر از سطح آلفای ۰/۰۵ می‌باشد، در نتیجه فرض‌های صفر مربوط به این آزمون‌ها رد نمی‌شود و این بدین معناست که بین میانگین چالش‌های خوابگاه‌ها در تبدیل شدن به جامعه کوچک یادگیری به تفکیک گروه‌های مختلف متغیرهای جنسیت دانشجویان، خوابگاه محل اسکان و مقطع تحصیلی دانشجویان در دانشگاه علامه طباطبایی، تفاوت معنادار وجود ندارد. همچنین به منظور آزمون میانگین راهکارهای مرتبط با هر چالش در خوابگاه‌های دانشجویی، در تبدیل شدن به جوامع کوچک یادگیری در دانشگاه علامه طباطبایی، به تفکیک متغیرهای جنسیت، خوابگاه و مقطع تحصیلی آنها، با توجه به میزان F و سطوح معناداری به دست آمده، به این دلیل که میزان سطوح معناداری مربوط به آزمون متغیرهای مطرح شده، بیشتر از سطح آلفای ۰/۰۵ می‌باشد، در نتیجه فرض‌های صفر مربوط به این آزمون‌ها رد نمی‌شود و این بدین معناست که بین میانگین راهکارهای مرتبط به هر چالش خوابگاه‌ها در تبدیل شدن به جوامع کوچک یادگیری به تفکیک گروه‌های مختلف متغیرهای جنسیت دانشجویان، خوابگاه محل اسکان و مقطع تحصیلی دانشجویان در دانشگاه علامه طباطبایی، تفاوت معنادار وجود ندارد.

نتیجه‌گیری

هدف از این پژوهش، بررسی چالش‌ها و راهکارهای تبدیل خوابگاه‌های دانشجویی دانشگاه علامه طباطبایی، به جوامع کوچک یادگیری بوده است. برای این منظور، از روش تحقیق آمیخته (کمی - کیفی)، استفاده شده، که در بخش کیفی با استفاده از مصاحبه‌ای که از مدیران و سرپرستان خوابگاه، دانشجویان دختر و پسر، و اعضای هیأت علمی دانشگاه علامه طباطبایی انجام شده است، پرسشنامه محقق ساخته‌ای در قالب دو بخش چالش‌ها و راهکارهای تبدیل خوابگاه‌ها به جوامع کوچک یادگیری، تدوین شده است که پس از تجزیه و تحلیل بخش کیفی و کمی، به نتایج زیر رسیده است.

با توجه به یافته‌های پژوهش در بخش کیفی، به منظور بررسی چالش‌ها و راهکارهای تبدیل خوابگاه‌های دانشجویی دانشگاه علامه طباطبایی به جوامع کوچک یادگیری، از روش تحقیق کیفی نظریه برخاسته از داده استفاده شده است. در نظریه برخاسته از داده‌ها سه مرحله کدگذاری وجود دارد که به ترتیب عبارتند از: کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری گزینشی. در مرحله کدگذاری باز داده‌های به دست آمده از مصاحبه‌ها به صورت سطر به سطر جهت استخراج مفاهیم اولیه کدگذاری شدند. در پژوهش حاضر در مجموع، ۹۶۵ مفهوم یا کد باز به دست آمده است؛ سپس مفاهیم (کدهای اولیه) مشترک و مشابه از نظر معنایی در قالب ۲۱ مقوله اولیه طبقه‌بندی شدند و بعد از انجام عملیات کدگذاری باز، در مرحله کدگذاری محوری، مقوله‌های مشترک و مشابه از نظر معنایی در قالب ۴ مقوله عمده (ابعاد ساختاری-مدیریتی، فرهنگی-اجتماعی، درون فردی و علمی-حرفه‌ای)، برگرفته از ۲۱ مقوله اولیه، شناسایی شدند. در مرحله کدگذاری گزینشی مقوله هسته انتخاب شده و ارتباط بین کلیه مقوله‌های عمده حول محور مقوله هسته، مورد بررسی قرار گرفته است. در پژوهش حاضر، بعد از چندین بار مطالعه، مشخص شده است که یک مقوله اصلی بیش از همه در داده‌ها و مصاحبه‌ها خود را نمایان می‌سازد و به نوعی همه مقوله‌های زیرمجموعه آن محسوب می‌شوند و این مقوله، به عنوان مقوله مرکزی یا هسته‌ای پژوهش حاضر که تحت عنوان «چالش‌های خوابگاه‌ها در تبدیل شدن به جوامع کوچک یادگیری و راهکارهای آن»، شناسایی شده است.

همچنین در بخش کمی، در راستای رسیدن به هدف کلی پژوهش و به منظور بررسی تفاوت دیدگاه‌های دانشجویان خوابگاهی دانشگاه علامه طباطبایی، به این معنا که، بین میانگین‌های دیدگاه‌های دانشجویان به منظور بررسی چالش‌ها و راهکارهای تبدیل خوابگاه‌های دانشجویی دانشگاه علامه طباطبایی به جوامع کوچک یادگیری، تفاوت معناداری وجود دارد، از آزمون t تک نمونه‌ای استفاده شده، که با توجه به مقدار t و سطح معناداری به دست آمده با میانگین فرضی ۳، به این علت که سطح معناداری مربوط به متغیرهای چالش‌ها و راهکارهای پیشنهادی برای هر چالش، کمتر از سطح آلفای ۰/۰۵ می‌باشد، و میانگین‌های به دست آمده،

همگی بالاتر از میانگین فرضی ۳ می‌باشند، می‌توان گفت چالش‌های خوابگاه‌ها و راهکارهای پیشنهادی برای هر چالش خوابگاه‌ها، در تبدیل شدن به جوامع کوچک یادگیری، مورد تأیید دانشجویان است. پس می‌توان نتیجه گرفت که خوابگاه‌ها در تبدیل شدن به جوامع یادگیری، با چالش‌هایی روبرو هستند که از نظر دانشجویان این چالش‌ها مانع از تشکیل جامعه یادگیری می‌شوند و برای تشکیل جامعه یادگیری، راهکارهای پیشنهادی خوب، قابل اجرا و مفید است. همچنین به منظور مقایسه میانگین‌های نظرات دانشجویان در ارتباط با چالش‌ها و راهکارهای خوابگاه‌های دانشجویی در تبدیل شدن به جوامع کوچک یادگیری در دانشگاه علامه طباطبایی به تفکیک متغیرهای جنسیت، خوابگاه (الف: پسرانه (شانه چی، مطهری و همت)؛ ب: دخترانه (ولیعصر، ارشاد و گل‌عداری)؛)، و مقطع تحصیلی آنها، از تحلیل واریانس یک‌طرفه استفاده شده، که با توجه به میزان F و سطوح معناداری به دست آمده، به این دلیل که میزان سطوح معناداری مربوط به آزمون متغیرهای مطرح شده، بیشتر از سطح آلفای ۰/۰۵ می‌باشد، در نتیجه فرض‌های صفر مربوط به این آزمون‌ها رد نمی‌شود و این بدین معناست که بین میانگین‌های چالش‌ها و راهکارهای خوابگاه‌های دانشجویی در تبدیل شدن به جوامع کوچک یادگیری به تفکیک متغیرهای جنسیت دانشجویان، خوابگاه محل‌اسکان و مقطع تحصیلی دانشجویان در خوابگاه‌های دانشجویی دانشگاه علامه طباطبایی، تفاوت معنادار وجود ندارد.

نتایج این پژوهش با نتایج تحقیقات رفعت‌جاه (۱۳۸۹)، سعیدی (۱۳۸۷)، بهزاد (۱۳۸۴)، محمودی‌راد و همکاران (۱۳۸۳)، جوان‌شیخی (۱۳۸۰)، کیلیکاسلان (۲۰۱۳)، لعل و همکاران (۲۰۱۳)، اینکلاس و همکاران (۲۰۰۳)، اینمان و همکاران (۱۹۹۸)، پاسکارلا و همکاران (۱۹۹۳)، پایک (۱۹۹۹)، ترنزینی و همکاران (۱۹۹۶)، آستین (۱۹۹۳)، تینتو (۱۹۷۵)، ولز (۱۹۸۵)، پایک و همکاران (۱۹۹۷)، هم‌سو است که در ادامه به مقایسه نتایج به دست آمده از این پژوهش با تحقیقات ذکر شده پرداخته می‌شود. رفعت‌جاه (۱۳۸۹)، پس از انجام پژوهش خود اذعان داشت که بیش از نیمی از دانشجویان خوابگاهی از نحوه گذراندن اوقات فراغت خود ناراضی بوده و مهمترین دلیل نارضایتی آنها، محدودیت امکانات تفریحی و مشکلات

پژوهش‌های رهبری و مدیریت آموزشی

مالی بوده است. فراغت بیش از هفتاد درصد دانشجویان در فضای سر بسته سپری می‌شود که عمدتاً غیرفعال است و می‌تواند آسیب‌زا باشد و همچنین بین وضعیت موجود و وضعیت مورد انتظار اوقات فراغت دانشجویان، شکاف وجود دارد و این امر بیشتر به دلیل موانع مالی و کمبود آزادی در انتخاب فراغت است (سعیدی، ۱۳۸۷). عواملی چون ارتباطات افقی بین دانشجویان، مشارکت آنها در اتحادیه‌ها و انجمن‌های دانشگاهی و حمایت‌های اجتماعی، روانی و مالی می‌تواند زمینه‌های قابلیت‌های روانی دانشجویان خوابگاهی را به‌عنوان سرمایه‌های اجتماعی، ارتقا دهد (بهزاد، ۱۳۸۴). محمودی راد و همکاران (۱۳۸۳)، در نتایج پژوهش خود اذعان داشتند که برای تبدیل خوابگاه‌ها به جوامع کوچک یادگیری باید به مواردی چون ایجاد محیطی ایمن و حمایتی، افزایش گفتمان، فعالیت‌های فوق برنامه، تقویت مهارت‌های زندگی، سازگاری با محیط دانشگاهی و مشارکت دانشجویان در اداره امور خوابگاه‌ها، اهمیت داده شود. عمده‌ترین مشکلات دانشجویان خوابگاهی؛ مشکلات سازگاری، عاطفی، رفاهی، بهداشتی، مالی، تحصیلی و بیماری‌های جسمی می‌باشد (جوان‌شیخی، ۱۳۸۰). کیلیکاسلان (۲۰۱۳)، در پژوهشی به این نتیجه رسید که باید عواملی که در خوابگاه دانشجویی باعث می‌شود فرد به سوی یادگیری برود از جمله: اجرای برنامه‌های شاد و مثبت، انگیزش دانشجویان، اجرای برنامه‌های تفریحی متناسب با نیاز دانشجویان و مهیا شود و فضای خوابگاه باید طوری باشد که افراد مانند خانه خود احساس راحتی کنند و نیازهای فردی دانشجویان را برآورده کند. لعل و همکارانش (۲۰۱۳)، پس از انجام پژوهشی به این نتیجه رسیدند که شرکت افراد در گروه‌های یادگیری ۴ مزیت بالقوه دارد از جمله: الف). مزیت اجتماعی ب). مزیت روانی ج). مزیت علمی د). مزیت ارزیابی. اینکلاس و همکارانش (۲۰۰۳)، پس از انجام پژوهش خود، دریافتند که برنامه‌های درون خوابگاه‌های دانشجویی که بر رویکرد زندگی-یادگیری تأکید می‌کنند، سطوح بالاتری از مشارکت دانشجو در فعالیت‌های دانشگاهی و نتایج تحصیلی قوی‌تری را ایجاد می‌کنند. مشارکت بیشتر در یادگیری از راه زندگی در خوابگاه‌ها، با تفکر انتقادی، موفقیت تحصیلی و دیگر دستاوردهای شناختی (اینمان و همکاران، ۱۹۹۸؛

پاسکارلا و همکارانش، ۱۹۹۳؛ پایک، ۱۹۹۹؛ ترزینی و همکاران، ۱۹۹۶) و همچنین تعهد و بقا (آستین، ۱۹۹۳؛ تیتو، ۱۹۷۵؛ ولز، ۱۹۸۵) ارتباط دارد. پایک و همکاران (۱۹۹۷)، نیز در تحقیقات خود به این نتیجه رسید که جوامع یادگیرنده در خوابگاه‌های دانشجویی، موجب موفقیت تحصیلی دانشجویان می‌شود؛ و سرمایه‌گذاری در این نوع جوامع، میزان دانش‌آموختگی موفق را افزایش می‌دهد. نتایج تحقیقات ذکر شده به نتایج مصاحبه‌ها و بخش کیفی این پژوهش، مبنی بر اینکه چالش‌های موجود در خوابگاه‌ها مانع از تبدیل شدن خوابگاه‌ها به جوامع کوچک یادگیری می‌شود و دانشجویان تمایلی به شرکت در گروه‌های مشارکتی و یادگیری تیمی ندارند و همچنین چالش‌های خوابگاه‌ها در تبدیل شدن به جوامع یادگیری از عوامل مختلفی چون چالش‌های ساختاری-مدیریتی، چالش‌های فرهنگی-اجتماعی، چالش‌های خود فرد و چالش‌های علمی-حرفه‌ای نشأت می‌گیرد. همچنین نتایج این پژوهش‌ها با نتایج به دست آمده از آزمون فرضیه کلی پژوهش از طریق t تک نمونه‌ای، به این معنا که چالش‌های خوابگاه‌ها در تبدیل شدن به جوامع کوچک یادگیری، مورد تأیید است، هم‌سو هستند و مطابق پژوهش حاضر، عامل بیکاری فارغ‌التحصیلان به خصوص فارغ‌التحصیلان خوابگاهی، عامل افسردگی، عامل بی‌مهارتی و.... همه نشأت گرفته از همین چالش‌های شناسایی شده است که اگر راهکارهای مناسبی برای رفع این چالش‌ها در نظر گرفته شود، امید است که با توجه به سند چشم‌انداز، به جایگاه واقعی خود برسیم.

به منظور رفع چالش‌های خوابگاه‌ها و تبدیل شدن آنها به جوامع کوچک یادگیری، پیشنهادها و راهکارهایی برای رفع چالش‌های خوابگاه‌ها در تبدیل شدن به جوامع کوچک یادگیری در بخش یافته‌های کمی پژوهش، ارائه شد و همچنین در اینجا نیز به ذکر پیشنهادهایی تکمیلی برای ایجاد جوامع کوچک یادگیری در خوابگاه‌ها، پرداخته می‌شود. برای راه‌اندازی جوامع کوچک یادگیری باید، گفتمان و تعامل علمی میان دانشجویان و هیأت علمی افزایش یابد؛ ارتباط دوطرفه میان برنامه‌های درسی و تجربیات فوق برنامه، ایجاد شود؛ محیطی ایجاد شود که در آن دانشجویان خوابگاهی برخی مهارت‌های زندگی را برای بهبود زندگی خود و

پژوهش‌های رهبری و مدیریت آموزشی

دیگران پس از ورود به بازار کار فرا گیرند؛ مشارکت دانشجویان در اداره خوابگاه‌ها به منظور کسب تجارب مدیریتی، افزایش یابد؛ کیفیت خوابگاه‌ها با هدف ایجاد جوامع یادگیری در راستای رسالت اصلی دانشگاه یعنی آموزش و پژوهش و خدمات اجتماعی، بهبود و سازماندهی مجدد شود؛ طراحی ساختار خوابگاهی، به طوری که دانشجویان بتوانند در گروه‌های همسان گرد هم آیند و از تجربیات علمی و اجتماعی یکدیگر بهره گیرند؛ پایه‌های مناسبات اجتماعی، حس مشارکت و همکاری و همبستگی بین افراد جهت جلوگیری از احساس تنهایی و انزواگرایی، تقویت شود؛ تشکیل گروه‌هایی‌ها و جلسات مستمر و جذاب فرهنگی بین دانشجویان تا بدین وسیله احساس «ما» و تعامل اجتماعی مستمر بین آنها تقویت شود و بدین وسیله زمینه انجام فعالیت‌های درون گروهی میان آنها فراهم شود؛ و در آخر، تدوین سیاست‌هایی که در آن به سلامت روان به عنوان پدیده‌ای برای هدایت فرآیندهای روانی دانشجویان نگریسته شود؛ این امر با تشکیل کمیته‌های دانشجویی بهداشت روان در دانشگاه‌ها، قابل اجرا است.

انجام این پژوهش با محدودیت‌هایی همراه بوده است. یکی از محدودیت‌های این پژوهش این بوده چون فقط در خوابگاه‌های دانشجویی دانشگاه علامه طباطبایی این پژوهش انجام گرفته است پس نتایج آن قابل تعمیم به سایر خوابگاه‌های دانشگاه‌های دیگر نیست. همچنین به دلیل دشواری دسترسی به خوابگاه‌های دختران، پراکندگی خوابگاه‌های دانشگاه علامه طباطبایی و همچنین به دلیل استفاده از روش تحقیق آمیخته، هزینه و وقت زیادی صرف انجام این پژوهش شد.

منابع

بهباد، داوود (۱۳۸۴)، سرمایه اجتماعی بستری برای ارتقاء سلامت روانی، فصلنامه رفاه اجتماعی، سال دوم، شماره ششم.

جوان شخی، تهمینه (۱۳۸۰)، بررسی رابطه وضعیت فرهنگی- اجتماعی خانواده با میزان سازگاری اجتماعی دانشجویان خوابگاهی دانشگاه الزهرا، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه الزهرا.

رفعت جاه، مریم (۱۳۸۹)، فراغت و ارزش های فرهنگی، فصلنامه تحقیقات فرهنگی، دوره چهارم، شماره ۱.

رستگاریان، فریبا (۱۳۸۴)، یادگیری و نظام مکمل و فوق برنامه، چکیده مقالات همایش تبیین جایگاه فعالیت های فوق برنامه در آموزش و پرورش، انتشارات رسانه تخصصی.

سعیدی، علی اصغر (۱۳۸۷)، مطالعه الگوهای فراغتی دانشجویان، تهران، پژوهشکده مطالعات فرهنگی- اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری.

شفیع آبادی، عبدالله (۱۳۷۲)، پویایی گروه و مشاوره گروهی، تهران: انتشارات رشد.

کرامتی، محمدرضا (۱۳۸۲)، یادگیری مشارکتی، مشهد: انتشارات آیین تربیت.

لقمان نیا، مهدی؛ خامسان، احمد؛ آیتی، محسن؛ خلیفه، مجتبی (۱۳۹۰)، بازسازی معنایی پیامدهای تغییرات اقتصادی در منطقه اورامان کردستان؛ ارائه یک نظریه زمینه‌ای، فصلنامه رفاه اجتماعی، سال هفتم، شماره ۲۸.

مسعودی، اکبر؛ محمدی، مهدی (۱۳۸۵)، بررسی اثر محل سکونت و جنسیت بر ادراکات و عملکرد تحصیلی دانشجویان مهندسی و علوم پایه دانشگاه شیراز، مجله علوم اجتماعی و انسانی، دانشگاه شیراز.

محمودی‌راد، مریم؛ آراسته، حمیدرضا (۱۳۸۳)، خوابگاه‌های دانشجویی به مثابه جوامعی برای یادگیری، مجله طب و ترکیه، شماره ۹.

نصرآبادی، حسنعلی؛ نوروزی، رضاعلی (۱۳۸۲)، راهبردهای جدید آموزشی در هزاره سوم، جلد اول، قم: سماء قلم.

Astin A. W (1993), *What Matters in College? Four Critical Years Revisited*, San Francisco: Jossey- Bass.

- Cendan JC, Silver M, Ben-David. K (2011), Changing The Student Clerkship from Traditional Lectures to Small Group Case-Based Sessions Benefits The Student and The Faculty, *Journal Surge Educ*, 68(2), pp. 117-20.
- Conner. M. (2005), *Informal Learning*, Retrieved from <http://AgelessLearner.com/hntros/Informal.html>.
- Conlon. T. (2004), A Review of Informal Learning Literature, Theory, and Implications for Practice in Developing Global Professional Competence, *Journal of European Industrial Training*, 28 (2-4) pp. 283-95.
- Cofer. D. A. (2000), Informal Workplace Learning, *Practical Application Brief*, No.10, Center of Education and Training for Employment, Columbus, Oh.
- Cseh. M. (1998), *Managerial Learning in the Transition to a Free Market Economy in Romanian Private Companies*. Unpublished Doctorial Dissertation, The University of Georgia. Ga.
- Deejring. K (2014), The Design of Web-Based learning Model Using Collaborative Learning Techniques and a Scaffolding System to Enhance Learners' Competency in Higher Education, *Journal Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 116, pp. 436 – 441.
- Gold. C. M (2000), Understanding Faculty Involvement in Residential Learning Communities, 41 (1), pp. 27-40.
- Johnson. J. (2001), Learning Communities and Special Efforts in The Retention of University Student , What Works, What doesnot, and is The Return Worth The Investment?, *Journal of College Retention*, 2(3), pp. 19-38.
- Kilçaslan. H. (2013), Design of Living Spaces in Dormitories, *Journal Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 92, pp. 445 – 451.
- Laal. M (2013), Collaborative Learning; Elements, *Journal Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 83, pp. 814 – 818.
- Laal. M. , Naseri. A. S. , Laal. M. , Khatami Kermanshahi. Z. (2013), What do We Achieve from Learning in Collaboration?, *Journal Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 93, pp. 1427 – 1432.
- Lawrance. R. (2002), A Small Circle of Friends: Cohort Groups as Learning Communities. *New Direction of Adults and Continuing Education*, 95, pp. 83-92.
- Lohman. M. C. (2000), Environmental Inhibitors to Informal Learning in the Workplace: A Case Studi of Public School Teachers, *Adult Education Quarterly*, 50(2), pp. 83-101.
- Luker. P. (1989), *Academic Staff Development in Universities with Special Reference to Small Group Teaching* [dissertation]. University of Nottingham.

- Ibrahim. N. , Fadzil. N. H. , Saruwono, M. (2013), Informal Setting for Learning on Campus: Usage and Preference, *Journal of Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 105, pp. 344 – 351.
- Inkelas. K. , Weisman. J. L. (2003), Different by Desing: an Axamination of Student Outcomes among Participants in Three Types of Living- Learning Program, *Journal of College Student Development*, 44, pp. 335-368.
- Inman. P. , pascarella. E. (1998), The Impact of College Residence on Development of Critical Thinking Skill in College Freshman, *Journal of College Student Development*, 39, pp. 557-568.
- Martin. R. (2009), Tertiary Education in Small States: Development Trends and Policy Implications, *Journal International Institute for Educational Planning IIEP Policy Forum*, pp. 2- 3.
- Mariotti. J. (1999), Change Requires Learning – and Unlearning, *Industry Week*, 248(12)59, pp. 248-259.
- Magrath. A. (1997), The Importance of Unlearning. *Across The Board*, 34 (2), pp. 39-41.
- Pike. G. R. (1999), The Effect of Residential Learning Communities and Traditional Residential Living Arrangements on Educational Gains During the First Year of College, *Journal of College Student Development*, 40(3), pp. 269-284.
- Pike. G. R. , Schroeder. K. , Beery. T. (1997), Enhancing the Educated Impact of Residential Halls: The Relationship Between Residential Learning Communities and First Year College Experiences and Persistence, *Journal of College Student Development*, 38(6), pp. 609-621.
- Pascarella. E. , Boher. I. , Nora. A. , Zusman. B. , Inman. P. , Desler. M. (1993), Cognitive Impacts of Living on Campus Versus Commuting to College, *Journal of College Student Development*, 40, pp. 269- 284.
- Terenzini. P. T. , Pascarella. E. T. , blimling. G. S. (1996), Student Out of Class Experiences and Their Influence on Learning and Cognitive Development: A Literature Review, *Journal of College Student Development*, 37, pp. 149-163.
- Tinto. V. (1975), Dropout form Higher Education: A Theoretical Synthesis of Resent Research, *Journal of Review of Educational Research*, 45, pp. 89-125.
- Velez . W. (1985), Finishing College: The Effects Types. *Sociology of Education*, 58, pp. 191-200.
- Wals. A. (2014), Sustainability in Higher Education in the Context of the UN DESD: A Review of Learning Institutionalization Processes, *Journal of Cleaner Production*, 62, pp. 8-15.

- Yin Lin. Ch. , Wen Wub. Sh. , Fang Wuc. S. , Shih Pan. B. , Chen Liaod. H. (2014), Effects of Service-Learning in A University in Taiwan, *Journal Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 116, pp. 902 – 906.
- Yusof. Kh. M. , Syed Hassan. S. A. H. , Jamaludin. M. Z , Harun. N. F. (2012), Cooperative Problem-Based Learning (CPBL): Framework for Integrating Cooperative Learning and Problem-Based Learning, *Journal Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 56, pp. 223 – 232.